

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

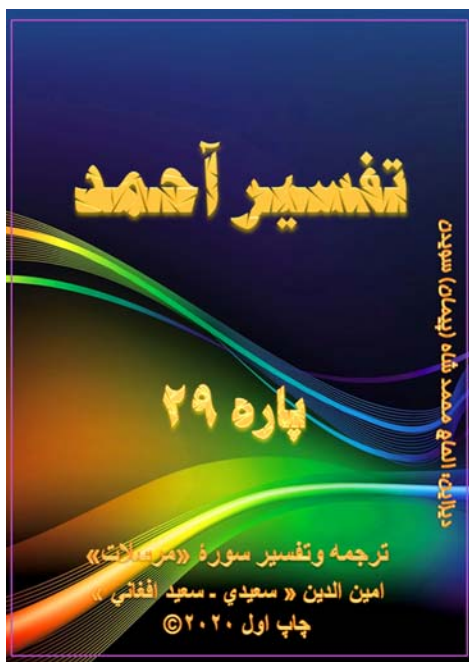
مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۲۱ جون ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

## سورة مرسلات-۴



لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ (۳۱)

نه سایه دار است و نه از شعله [آتش] جلوگیری می کند! (۳۱)  
«لَا ظَلِيلٍ» «نه سایه افکن، نه سایه دار». «ظَلِ ظَلِيلٌ» به معنی  
سایه دائم و «ظَلِ لَا ظَلِيلٍ» یعنی سایه غیر مفید و غیر خنک.  
«اللَّهَبِ» «شعله‌های آتش، گرمی آتش».

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (۳۲)

جرقه هائی از خود بیرون می‌اندازد که مانند قصر (بزرگ) است  
(۳۲)  
«تَرْمِي» «پرتاب می‌کند».

«شَرَرٍ» «جمع شراره، آتش پاره، شراره، زبانه‌های آتشپاره‌ها».

كَأَنَّهَا جَمَلَاتٌ صُفْرٌ (۳۳)

گوئی آن شراره (در بزرگی و رنگ) مانند شترهای زرد رنگ  
است. (۳۳)  
«جَمَلَاتٌ» «جمع جمل، شتران».

«صُفْرٌ» «جمع اصف، زرد رنگ».

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۳۴)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۳۴)

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطُفُونَ (۳۵)

این روزی است که (کافران بر نجات خود) سخنی نتوانند گفت. (۳۵)

وَلَا يُؤَدِّنُ لَهُمْ فَيْعَتَهُمْ (۳۶)

و به آنها اجازه داده نمی‌شود که عذر خواهی کنند. (۳۶)

### وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۳۷)

وای در آن روز برای تکذیب کنندگان. (۳۷)

### هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمْعَانُكَمُ وَالْأُولَئِينَ (۳۸)

امروز همان روز فیصله است که شما و پیشینیان را در آن جمع کرده ایم. (۳۸)

### فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا (۳۹)

پس اگر نیرنگی دارید پس به کار گیرید (۳۹)

### وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۰)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۰)

### إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ (۴۱)

به یقین پرهیزکاران در زیر سایه ها و کنار چشمه سارها یبند (۴۱)

### متقین و پرهیزکاران:

درسوره بقره پروردگار با عظمت در تعریف و صفت متقین می فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۳ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۴ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره بقره: ۳-۵). «آنان که به غیب ایمان می آورند، و نماز را برپا می دارند، و از آنچه روزی داده ایم انفاق می کنند؛ و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان می آورند؛ و به آخرت یقین دارند. آنها بید که از هدایتی از جانب پروردگارش برخوردارند و آنها همان رستگارانند».

### چگونه می توان متقی شد:

اول این که: به غیب و نادیده ایمان داشته باشید «ایمان به الله (ج) - فرشتگان - قیامت - بهشت و دوزخ».

دوم: نماز را درست و به موقع بخوانید «بدون ریاء و سستی».

سوم این که: و از آنچه که الله تعالی به شما اعطا کرده است خرج کنید، انفاق کنید، زکات دهید «زکات سلامتی جسم (روزه) زکات مال و فراموش نکردن مستمندان».

چهارم این که: و ایمان داشته باشید به محمد صلی الله علیه وسلم، قرآن عظیم الشان، پیامبران و کتاب های آسمانی قبل از آن «نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و... زبور، صحف، تورات و انجیل» پس شما از طرف الله (ج) هدایت شده اید و به حقیقت شما رستگار هستید.

قرآن عظیم الشان می فرماید: «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَآثَرَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْفُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عُهِدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (سوره البقرة: ۱۷۷). «نیکی کاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به الله (ج) و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد، و نماز را برپای دارد، و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد ببندند، به عهد خود وفادارانند؛ و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیبایانند؛ آنان کسانی که راست گفته اند، و آنان همان پرهیزگارانند».

## متقیان:

متقی کلمه عربی که جمع آن متقیان است، به شخصی اطلاق می گردد که به پاک ساختن نفس از اخلاق ذمیمه، بخل و امساک، طمع و غیره خود را پاک سازد و به صرف مال خود به سؤالکنندگان، محتاجان و... می پردازد. این همه کارها را نه به جهت ریاء و خودنمایی و یا کدام امور دنیائی، بلکه برای رضای الهی می کند.

- نیکوکارند.

- قسمتی از شب را به عبادت مشغولند.

- و کثرت عبادت‌ها آنها را مغرور نمی‌ساخت بلکه به تناسب بندگی‌شان بر خوف و خشیت آنها می‌افزود و در سحرگاهان برای گناهانشان طلب آمرزش می‌کردند.

- بی‌بهره «آن که محتاج و تنگدست است اما سؤال نمی‌کند» ایشان از مال خود علاوه بر زکات بخشی را برای سائلان و محتاجان مقرر کرده بودند. «الَّذِي يُوْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى» (سوره الليل: ۱۷-۱۸). («و پاک رفتارتر [این مردم] از آن دور داشته خواهد شد: همان که مال خود را می‌دهد/ می‌دهند [برای آن که] پاک شود/ شوند».

**وَفَوَاكِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ (۴۲)**

با هر میوه ای که خوش داشته باشند (۴۲)

**كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳)**

بخورید و بنوشید خوشگوار، اینها در برابر اعمالی است که (در دنیا) انجام می دادید. (۴۳)

**إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۴۴)**

ما آنگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (۴۴)

**وَيْلٌ لِّیَوْمِنِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۴۵)**

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۵)

**كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ (۴۶)**

[شما ای کافران و مشرکان! در این دنیا] بخورید و بهره گیرید اندک، یقیناً شما مجرمد. (۴۶)

می گویند طبیب در دو حالت به مریض اجازه می فرماید که؛ یکی مریض که از مریضی نجات یافته و صحت مند شده باشد، هر غذایی را که میل داشته باشد آن را نوش جان کند، و دیگر مریضی که لا علاج و امید به بهبودش نباشد به اصطلاح مریض بی درمان باشد و طبیب از تداوی او مأیوس شده است. در این صورت برایش می گوید هر چه که دلت خواست و هرچه که اشتها داشته باشی می توانی آن را نوش جان کنی.

همچنان در قرآن عظیم الشان امر «کُلُوا» گاهی نشانه امید و سلامتی است و گاهی هم نشانه قهر الهی است، طوری که الله تعالی خطاب به مجرمان می‌فرماید: «كُلُوا وَ تَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ» و نظیر آیت «اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ» «آیت ۴۰ سوره فصلت» هر کاری می‌خواهید، بکنید..

**وَيْلٌ لِّیَوْمِنِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۴۷)**

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۷)

**وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ (۴۸)**

و چون به آنان گفته شود به رکوع بروید نمی‌توانند به رکوع بروند. (۴۸)

«ارْكَعُوا»: رکوع ببرید. مراد از رکوع، خضوع در برابر قوانین و مقررات الهی است؛ نه فقط رکوع نماز (ملاحظه شود سوره: بقره / ، مانده).

### فلسفه رکوع در نماز:

قبل از همه باید گفت که عبادت به نقل است و نه به عقل اما این بدان معنی نیست که در مسایل نقلی زیبایی ها و عقل نیست و یا به آن موافقت ندارد.

رکوع و خضوع برای ذات الهی اولین و زیباترین نشانه تواضع و فروتنی یک انسان مسلمان در برابر پروردگارش، خم شدن در برابر او (رکوع) و تعظیم کردن به او است.

علماء در تعریف، رکوع می فرمایند: رکوع در نماز عبارت از آن است که نمازگزار پس از سوره فاتحه و قرائت یک سوره بعد از آن، به نیت تعظیم و فروتنی در برابر فرمان الهی و عظمت پروردگار با عظمت، تا حدی خم شود که دست‌ها به زانوها برسد، کمر صاف باشد، گردن کشیده باشد.

خم می‌شود، یعنی کبریائی تو ما را به تعظیم و می‌دارد و در برابر بزرگی و بی‌همتائی تو، سر و قامت مان می‌شکند. همان طوری که گفتیم: رکوع نشانه خضوع و خشوع است و از صفات مؤمنان شمرده شده است، چنان که قرآن کریم در توصیف مؤمنان می‌فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » (سوره حج: ۷۷). (ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع کنید و سجود بجا آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک را انجام دهید تا رستگار شوید.) نماز گزار وقتی که به رکوع خم می‌گردد در حقیقت با عمل خود به ذلت و خواری اش و با ذکر رکوع به عظمت و کبریائی الله بزرگش اعتراف و اقرار می‌کند. طوری که گفتیم، این بهترین نوع تواضع بنده در مقابل مقام با عظمت پروردگارش است. به همین خاطر که او الله (ج) را به عظمت و بزرگی یاد کرد پروردگار با عظمت نیز او را در نزد بندگان عزت و بزرگی می‌بخشد.

علماء می‌گویند: هر چند که قرب کامل در سجده حاصل می‌شود ولی تا موقعی که ادب خضوع در رکوع کامل نگردد، قرب مطلق به دست نمی‌آید چون نقص در هر جزء به کل سرایت می‌کند. چنانچه از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل شده که: «هرکس که وضوء و رکوع و خشوعش در نماز کامل نباشد نمازش ناقص است».

رکوع مرحله اول است و سجود مرحله دوم، هرکس که معنی و حقیقت اولی را به جای آورد شایستگی دومی را یافته. پس باید که رکوع با خضوع و خشوع کامل باشد تا سجده به تبع آن کامل گردد.

### بدترین دزدی در رکوع:

محدثین می‌نویسند که: ابوهریره (رض) می‌گوید مرا خلیل (پیامبر صلی الله علیه و سلم) از سه عمل در نماز، نهی فرمود:

۱- از نوک زدن مانند خروس

۲- از نگریستن به این طرف و آن طرف مانند روباه اِباء ورزید.

۳- و از نشستن مانند شادی (میمون) جلوگیری نماید. (راوی حدیث احمد).

همچنین فرمودند: «أَسْوَأُ النَّاسِ سَرَقَةُ الْإِذَى يَسْرِقُ مِنْ صَلَاتِهِ» (بدترین دزد آنست که از نمازش بدزدد)، صحابه عرض کردند: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم! چگونه از نماز دزدی می شود؟ فرمود: «لَا يَتَمَّ رُكُوعَهَا وَ سَجُودَهَا» (روای حدیث طبرانی) (رکوع و سجده آن را کامل نکند).

محدثین می نویسند: روزی پیامبر صلی الله علیه و سلم در حال نماز، چشمش به مردی افتاد که کمرش را در رکوع و سجده، هموار نمی کرد، پس از سلام، فرمود: «يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ لِاصْلَاةٍ لِمَنْ لَا يُقِيمُ صَلْبَهُ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ» (روایت ابن ماجه و احمد) (ای مسلمانان! بدانید کسی که کمرش را در رکوع و سجده، هموار نمی کند، نمازش درست نیست و در حدیثی دیگر فرمود: «لَا تَجْزِيءُ صَلَاةَ الرَّجُلِ حَتَّى يُقِيمَ ظَهْرَهُ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ» (روایت ابوداود) (نمازش کامل نیست).

### راز و حکمت مشترک رکوع و سجود:

راز مشترک رکوع و سجود تسلیم و فروتنی در برابر پروردگار با عظمت است، تفاوت رکوع و سجود در این است که سجود، چون فروتنی از رکوع است، سجود نمایانگر وضع است که این حالت به الله سبحان نزدیک تر است، چون بنده هر اندازه به تواضع نزدیک تر شود، احتمال رسیدنش به پروردگار بیشتر می شود، بنا بر اهمیت مقام سجده است که از آن در تعداد زیادی نصوص اسلامی تذکر یافتند. «اقرب ما يكون العبد من الله عز وجل و هو ساجد». علماء در مورد حکمت رکوع می فرمایند که بجاء آوردن رکوع: از جمله زیباترین خضوع و فروتنی به شمار می رود. رکوع و خم شدن در برابر آفریدگار هستی، با شکوه ترین و زیباترین حالت تواضع و خضوع انسان است. رکوع، سراسر تواضع، تذلل، فروتنی، خاکساری، سرسپاری، فرمانبرداری، شکستگی، دوری از تکبر، منیت و خود خواهی است.

وجه تمایز مسلمانان از سایر ملت‌ها در همین ادای رکوع و خم شدن در عبادت نماز نهفته است.

### شان نزول آیه ۴۸:

۱۱۶۲- ابن منذر از مجاهد روایت کرده است: آیه «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ» در مورد تثقیف نازل شده است. (زاد المسیر» ۱۵۰۹). [وقتی که پیامبر صلی الله علیه و سلم تثقیف را به ادای نماز امر کرد. گفتند: ما خود را خم نمی‌کنیم، زیرا این کار بر ما عیب است. پیامبر گفت: دینی که در او نماز نیست خیر هم نیست]. (عبد الرحمن بن علی بن محمد جوزی، تفسیر «زاد المسیر فی علم التفسیر» مکتبه اسلامی، بیروت. سال انتشار ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۴۵۲).

### خواننده محترم!

در بین بسیاری از اقشار جامعه چنین رایج است که وقتی چیزی را در زندگی خویش گم می‌کنند به نماز می‌ایستند تا آن را دوباره به دست آرند، در واقع نماز بهترین فرصت است که انسان می‌تواند به تمرکز حواس به خصوص از طریق ایستادن به سوی قبله، رکوع و سجود اخلاص‌مندانانه با خشوع و خضوع به سوی خالق، بدان دست یابد.

یکی از روانشناسان می‌گوید: محبت یا عشق پنج نوع است و یکی از انواع این محبت و عشق به پروردگار با عظمت می‌باشد.

روانشناسان در تحقیقات خویش می‌افزایند: این عشق برای زندگی انسان بی‌نهایت ضروری است، زیرا انسان باید

همیشه در فکر کمال خویش بوده و آرزوی وصول به آن را باید همیشه در سر خویش پیروانند تا به پیشرفت و حل مشکلات در زندگی نایل آید.

یگانه راه وصول به این هدف نماز و ادای حرکات آن از جمله قیام رکوع و سجود آن مطابق به سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم می باشد .

اگر بخواهیم برای نماز روح و جسم قایل شویم و حرکات فزیک (قیام، رکوع و سجده) را جسم نماز و حالات روحانی آن را روح نماز نام گذاریم به فواید و آثار نماز بیشتر پی خواهیم برد.

از پروردگار با عظمت استدعا داریم که نماز اخلاصمندانۀ ما را به در بار خویش قبول فرماید.

### وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۹)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۹)

### فَبَأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰)

پس بعد از قرآن به کدام سخن ایمان می آورند؟ (۵۰)

درک عظمت قرآن کریم، منوط به معرفت قرآن در تمامی ابعاد است. یعنی شناخت حقایق و معارف غیبی، اسرار و حکم، شرایع و احکام، قصص و امثال، محکم و متشابه، تأویل و تنزیل، ظاهر و باطن آن، که هر کدام بُعدی از ابعاد و جلوه ای از جلوه های قرآن کریم است.

قرآن عظیم الشان در برگیرنده عالی ترین معارف الهی در زمینه شناخت الله متعال، اسما و صفات الهی، اسرار توحید، در بارۀ پیامبران الهی، اسرار جهان غیب، سنتهای حاکم بر جامعه های بشری، شناخت انسان و نهایت سرنوشت او، اخبار غیبی مربوط به گذشتگان و آیندگان است و همچنین حاوی نظام های اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی است که بشر برای سعادت و خوشبختی جاودانه خود به آن ضرورت حیاتی دارد.

قرآن عظیم الشان نشانگر راهی است که پیمودن آن انسان را از یوغ استعمار و بردگی نجات می دهد و از اسارت در زنجیر جهل، خرافه و هواهای شیطانی می رهاند و او را در مسیر سلامت قلب، پاکی ظاهر و باطن و پیشرفت مطلوب انسانی و معنوی قرار می دهد. قرآن عظیم الشان حاوی معیارهای جاودانه برای شناخت حق از باطل است.

با شناخت این ویژگیها و خصوصیات است که درک عظمت و رفعت ذاتی قرآن عظیم الشان و برتری آن بر دیگر انوار الهی روشن می شود.

قرآن عظیم الشان، شیواترین، تازهترین و شایستهترین پیام آور برای بشریت است، نباید فراموش کرد که محتوا و موضوعات قرآن عظیم الشان هرگز کهنه نمی شود و در هر زمان، نو و تازه است. اگر کسی به قرآن عظیم الشان ایمان نیابد، پس به کدام سخن ایمان خواهد آورد.

### الهی قرآن کریم را مشعل و رهنمای زندگی ما قرار فرما!

#### منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از

عبد الکریم ارشد فاریابی

- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی

- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی

- تفسیر طبری - امام المفسرین

- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری